

زرتشت ، پدر معنوی ایرانیان

دکتر شاهین سپنتا

اشو زرتشت ابرمردی که پیامش بی هیچ اغراق اثراتی سازنده ، پوینده و بی مانند در سیر تکامل اندیشه و خرد در ایران و جهان گذاشت و همه آیین ها و فرهنگ های پس از او خواسته و ناخواسته تأثیراتی ژرف و ریشه ای از پیام او گرفته اند.

زرتشت را به عنوان نخستین پیام آور خرد ، شادی و آزادی ، همگان با هر دین و آیینی که دارند می ستایند و از این نگاه می توان صرف نظر از دین و مذهب او را پدر مینوی ایرانیان و همه اهل خرد در سراسر جهان نامید .

نگاهی گذرا به زندگی زرتشت :

زرتشت ، پیامبر ایرانی 37۷۴ سال پیش (1768 سال پیش از زایش عیسا) در ششمین روز از فروردین ماه و در دوران پادشاهی لهراسب کیانی در خاک پاک سرزمین پهناور ایران دیده به گیتی گشود.

او از 15 سالگی به درستی باور های مردم و پرستش خدایان گوناگون تردید کرد و در 20 سالگی به آغوش طبیعت رفت و با یاری اندیشه نیک ، گام در راه شناخت پروردگار یگانه نهاد . او در 30 سالگی بر آن شد تا راهی را که بر گزیده بود، به مردمان بنمایاند . در آغاز و در 12 سال نخست گسترش آیینش با دشمنی و مخالفت خرافه پرستان ، کز اندیشان و امیران محلی رو به رو شد و سرانجام در 42 سالگی به همراه پیروانش مجبور به مهاجرت به بلخ شد . در آن جا پیام خود را به آگاهی گشتاسپ پادشاه کیانی رساند و پس از آن که مورد پشتیبانی او قرار گرفت به تدریج توانست پذیرندگان آیینش را افزایش دهد . زرتشت در 77 سالگی از روی آزادگی ، ایرانیان را از دادن باژ به بیگانگان منع نمود . از این روی دشمنی و کینه تورانیان با ایرانیان و شخص زرتشت گسترش یافت و در دومین یورش تورانی ها به بلخ در حالی که زرتشت در نیایشگاه مشغول نیایش بود به فرمان ارجاسب تورانی ، مزدوری به نام « توربراتور » خنجر کین خویش را بر پشت او فرود آورد و به این ترتیب زندگانی پر بار پیام آور آزادی و خرد به پایان رسید .



با این همه مشعل فروزانی که او افروخت تا این زمان همچنان پر فروز ، روشنگر راه پویندگان و جویندگان راستی است.

آیین جهانی زرتشت :

زرتشت ، خود انگیزه اش را برای پیام آوری ، نتیجه واکنشی طبیعی و منطقی در برابر آشفتگی ها و نا هنجاری های شدید جامعه می داند . آیینی که او بنیان نهاد ، پاسخی به نیاز ها و مشکلات مردم و درمانی بر دردهای کهنه آن ها بود . آیینی که زرتشت پرچم آن را در جهان بر افراشت پس از گذشت سده ها به همان تازگی روز نخست ، امروز نیز به بهترین شیوه و با رسایی تمام نه تنها شاهراه سرافرازی را در پیش پای هم میهنان ایرانی خود می گشاید بلکه با بینشی گسترده و اندیشه ای جهانی ، سربلندی و خوشبختی همه جهانیان را خواستار است و دست مهر و دوستی خویش را به سوی همه مردمان گیتی دراز می کند و خواهان است در راهی که پیش روی آن ها گشوده است ، همراه و همپارش باشند .

ایرانیان نیز با هر دین و آیینی ، زرتشت را به عنوان یک ایرانی اندیشمند و پیشرو و یک خردورز راهنما با تمام وجود دوست می دارند و آیینش را ارج می نهند.

رابطه خداوند و انسان در آیین زرتشت :

در آیین زرتشت ، خداوند یگانه هستی بخش انسان را به ویژه اگر پیرو راستی باشد « دوست » خود می داند . از این دیدگاه نه تنها اهورای مهربان ، جبار و مکار نیست و انسان را بنده ، عبد و عبید خود نمی داند و رابطه بندگی و بردگی بین خود و او برقرار

نمی کند بلکه انسان را دوست ، یار و همکار خود دانسته و دوستان خوب خود را از داده های اهورایی چون نیک اندیشی ، توانگری ، رسایی و پابندگی بهره مند خواهد ساخت . بر این پایه انسان خوب ، بنده نیست بلکه دوست خوب خداست . در این مورد در گات ها ، یسنا ، هات 31 ، بند 21 می خوانیم :

« خداوند جان و خرد از رسایی ، جاودانگی ، راستی ، توانایی و نیک اندیشی خود به کسی خواهد بخشید که در اندیشه و کردار ، دوست او باشد . »

از دیدگاه زرتشت ، با چشم دل خداوند را در همه جا می توان دید . از این روی برای پرستش آفریدگار یکتا ، سوی یا جهتی خاص متصور نیست . از این دیدگاه سوی پرستش (قبله) روشنایی و پاکی است و فروغ هستی بخش یگانه در هر کجا که نور و روشنایی و پاکی باشد ، دل های پاک و نورانی را به سوی خود فرا می خواند .

جهان بینی زرتشت :

نگرش زرتشت به جهان هستی نگرشی بر بنیان خرد است و بر این پایه می توان جهان بینی او را « جهان بینی خرد گرا » یا « جهان بینی علمی » نامید . بر این بنیان حتا « دین » نیز عین « دانش » است و این گونه تعریف می شود :

« دین یا دئنا یعنی تجزیه و تحلیل درونی پدیده های هستی بر پایه خرد و با آزادی کامل و بر این بنیان انسانی دین دار است که می بیند ، می اندیشد ، پرسش می کند ، تجزیه و تحلیل می کند و سر انجام به کمک اندیشه نیک و در راستای اشا ، آزادانه راه خود را بر می گزیند . »

زرتشت آن گونه که خود نیز در گات ها بیان می کند خداوند جان و خرد را نیز با یاری نیروی خرد و اندیشه شناخته است . در این مورد برای نمونه در گات ها ، یسنا ، هات 31 ، بند 8 ، می خوانیم :

« ای مزدا ، هنگامی که با یاری اندیشه خویش ، تو را سر آغاز و سرانجام هستی و سرچشمه منش نیک شناختم و آن گاه که تو را با چشم دل دیدم ، دریافتم که تویی آفریدگار راستین اشا و داور کردارهای جهانیان »

در برابر این تعریف ، تعریف دیگری از دین نیز در بین ملل و مذاهب دیگر پذیرفته شده است که بنیان آن بر وحی استوار است :

« دین مجموعه ای از دستورات و فرائض است که از سوی خدا به پیامبر وحی می شود و پیامبر به اذن خدا این دستورات و فرائض را برای سعادت و رستگاری بشر به او ابلاغ می کند . »

قانون اشا :

زرتشت با یاری خرد خود و تجزیه و تحلیل پدیده های هستی به وجود « خداوندگار جان و خرد » یا « هستی بخش دانا » یا « اهورا مزدا » پی می برد .

از دیدگاه زرتشت ، « خداوند جان و خرد » جهان را بر بنیان قانون تغییر ناپذیری آفریده که بر همه چیز و همه جای جهان هستی حکم فرماست . او این نظام دقیق و ثابت حاکم بر جهان هستی را « اشا » می نامد .

حاکمیت قانون جهان شمول اشا بر جهان هستی از خواست و اراده آفریدگار بزرگ است. « اشا » در ذات آفریدگار « نظم مطلق » و « توانایی نظم دادن » است که به صورت نظم و قانون حاکم بر هستی تجلی کرده است .

این فروزه در انسان هم به صورت « توانایی نظم دادن » به زندگی ، محیط اطراف و پدیده های طبیعی پدیدار شده است . از این رو بر انسان نیز شایسته است تا پیوسته این توانایی را در خود پرورش دهد تا با « اشا » هماهنگ گردد و « راستی » را در خود پیرواند .

قانون « اشا » را « نظام هماهنگ کننده جهان هستی » نیز می نامند و هیچ پدیده ای از اتم تا کهکشان در گیتی نیست که بر پایه این نظام هماهنگ استوار نباشد. قانون اشا در حفظ سلامتی و تعادل جسمی و روانی انسان نیز حاکم است و از این دیدگاه تندرستی چیزی جز هماهنگی و سازگاری تن و روان با « قانون زندگی بخش اشا » نمی باشد .

آزادی و مسؤولیت انسان :

از دیدگاه زرتشت و در راستای قانون « اشا » ، انسان « اختیار » دارد تا با اندیشه روشن و با تجزیه و تحلیل درونی و با آزادی کامل ، به دور از هر گونه اجبار ، القاء ، عادت ، تقلید و سنت ، بهترین راه را در زندگی برگزیند . چنان که گفته شد از این دیدگاه اساساً دین به معنی تجزیه و تحلیل درونی پدیده ها بر پایه خرد و با آزادی کامل است و انسانی دین دار است که می بیند ، می اندیشد ، تجزیه و تحلیل می کند و سرانجام به کمک اندیشه نیک آزادانه راه خود را بر می گزیند. بدیهی است که به واسطه همین آزادی در گزینش ، افراد نسبت به شیوه ای که بر می گزینند در هر دو جهان مادی و مینوی مسئول هستند و سرانجام بر اساس اصل « کنش و واکنش » نتیجه گزینش خود را با دقت و ظرافت تمام دریافت می کنند .

آرمان و ارزش چنین دیدگاهی آن جا است که انسان های دارای اختیار بر بنیان حس « مسؤولیت » شناسی ، در برابر جهان هستی افرادی « مسئول » هستند. اما در جهان بینی مبتنی بر وحی ، انسان ها پیش از آن که مسئول باشند ، « مکلف » هستند و « موظف » هستند تا احکام لایتنغیر و فرائض از پیش طراحی شده را به جای آورند .

بر این بنیان ، زرتشت اندیشه ها و دریافت های « خود » را به صورت « سرود » هایی کاملا زمینی برای همگان بازگو نمود و هیچ کتاب یا بهتر بگوییم دستورات و احکام دگرگون ناپذیر به صورت متن مکتوب از خود به جای نگذاشت و در هیچ کجای این سرود ها یا « گات ها » سخن از باید ها و نباید ها نیست . به عبارت دیگر زرتشت واسطه سخن مرجعی بالاتر یا آسمانی نیست . او تنها یافته های خود را برای همگان بازگو می کند و در یسنا ، هات 30 ، بند 2 ، یاد آور می شود :

« ای مردم گفتار نیک را بشنوید و با اندیشه روشن در آن بنگرید و میان نیک و بد خود داوری کنید ، زیرا پیش از آن که زمان از دست رود ، هر زن و مرد باید آزادانه راه خود را برگزیند . باشد که به یاری خرد اهورایی در گزینش راه نیک کامران شوید. »

گات ها ، سرودهای زرتشت است و کتاب آسمانی آیین بهی نیست و پارسیان نیز اهل کتاب نیستند. چون بنیان پیام زرتشت بر « خرد » استوار است ، اساسا برای اثبات حقانیت خود و آگاه کردن مردم به هیچ معجزه ای نیاز نداشت و این بزرگ ترین معجزه زرتشت است .

زرتشت پیام زمینی خود را برای انسان های زمینی با شیوایی در سروده هایی جاودانه اش به یادگار گذاشته است . گات ها اندیشه پرور و خردگراست و با پنداره های ناروا در ستیز است . گات ها بهترین و بی واسطه ترین مرجع شناخت زرتشت و اندیشه های اوست.

پیام گات ها بر سه بنیاد ساده ولی کامل « اندیشه نیک » ، « گفتار نیک » و « کردار نیک » خلاصه می شود. گات ها ، زمینی ، کلی ، منطقی ، عملی ، انسانی ، جهانی و ابدی است .

از دیدگاه زرتشت ، خداوند کینه توز ، انتقام جو ، خشمناک ، مجازات گر ، قهار ، ویران گر ، جبار و عذاب دهنده آدمی نیست بلکه خوبی و داد مطلق است و بدی در آستان او راه ندارد . اهورا مزدا برای همه خوشبختی می خواهد و از این روی « راه درست زیستن » را برای هر آن کس که نیک بیاندیشد ، باز می گذارد .

آنان که کژی می کنند و « هنجار هستی » را نادیده می گیرند ، بر بنیان اصل متافیزیکی و فیزیکی « کنش و واکنش » یا « علت و معلول » نتیجه کارکرد خود را دریافت می دارند و این مجازاتی از پیش طراحی شده و از جانب آفریدگار نیست . این تنها بازتاب کنش خود آن هاست که به سویشان واکنش شده است .

از این دیدگاه این آفریدگار نیست که جایگاهی به نام دوزخ برای شکنجه انسان پدید آورده باشد بلکه این خود انسان است که به واسطه عمل کرد خود ، در حوزه اندیشه خود را دوزخی یا بهشتی می پندارد .

بر این پایه ، بهشت یا « بهترین هستی » بازتاب اندیشه ، گفتار کردار نیک انسان و دوزخ یا « بدترین هستی » بازتاب اندیشه ، گفتار و کردار بد انسان است که هم زمان در هر دو جهان مادی و معنوی (اصطلاحا این جهان و آن جهان) به سوی بعد مادی (تن) و بعد معنوی یا مینوی (روان) انسان باز خواهد گشت .

پویایی و پیشرفت در آیین زرتشت :

در آیین زرتشت و در راستای قانون اشا ، نه تنها واپس گرایی به هیچ وجه روا نیست بلکه ایستایی و سکون نیز ناپسند شمرده می شود . اندیشه و خرد انسان ، تن و روان انسان ، جامعه انسانی ، محیط زندگی و به طور کلی اخلاق ، فرهنگ و تمدن بشری باید با یک حرکت پویا به سوی بهتر شدن ، نو شدن و توسعه تغییر کند . زرتشت با صدای بلند پیروانش را فرا می خواند تا جهان را نو و زندگانی را تازه نمایند. در این مورد در گات ها (سرودهای زرتشت) ، یسنا ، هات 31، بند 9 می خوانیم :

« ای خداوند خرد ، بشود ما نیز چون یاران راستین تو در شمار کسانی باشیم که جهان را نو و زندگانی را تازه گردانند ... »

توسعه اندیشه :

در آیین زرتشت و در راستای قانون اشا ، انسان برای برداشتن گام هایی هرچند کوچک در راه رسیدن به زندگی بهتر باید مراحل توسعه را بدون کم و کاستی طی کند و در آغاز باید از « توسعه اندیشه » آغاز نماید. آن گاه فروزه هایی همچون « پاکی و راستی » ، « توانایی سازنده » و « مهرورزی » را در وجود خود بپروراند تا « رسایی » و « پایداری » نیز هم راستا با رشد هماهنگ فروزه هایا صفات یاد شده در نهادش فزونی یابد و او را به تدریج به معیار های یک انسان کامل و توسعه یافته نزدیک گرداند و بی شک این انسان های توسعه یافته هستند که می توانند به توسعه پایدار فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی دست یابند و زندگی بهتر و جامعه ای مطلوب تر را بنیان نهند .

کار و کوشش و سازندگی :

از دیدگاه زرتشت یکی از موثرترین عوامل آبادانی جهان و پیشرفت زندگی که در سایه توسعه اندیشه به دست می آید و در نهایت به خوشبختی و شادکامی بشر منجر خواهد شد ، کار و کوشش پیگیر و خستگی نا پذیر انسان است . او همگان را فرا می خواند که در راستای قانون اشا و با پاری اندیشه نیک ، در حد توان خود برای پیشرفت بشریت تلاش کنند. در این مورد در گات ها ، یسنا ، هات 34 ، بند 14 ، می خوانیم :

« پاداشی گران بها از آن کسی است که در زندگی به کار و کوشش پردازد و در راه آبادانی و پیشرفت جهان بکوشد ... »

جهانی سرشار از صلح و دوستی :

زرتشت ضمن محترم شمردن « حق دفاع » برای همه انسان ها ، جنگ و دشمنی و خونریزی و تهاجم راچه در جهت کشور گشایی و جه به اسم گسترش دین ، نادرست و مردود می شمارد . زرتشت به جهانی سرشار از صلح و دوستی و آسایش می اندیشید و آرزو داشت که همه انسان ها با پابندی به راستی و درستی ، مهربانی و یگانگی و

تفاهم را در میان خود گسترش دهند و « صلح و دوستی جهانی » تحقق یابد. در این مورد در گات ها ، یسنا، هات 29 ، بند 3 می فرماید :

« آن آموزگار نجات دهنده بشر باید بتواند - بر پایه قانون اشا - با مهربانی ، همبستگی و دوستی جهانی را پدید آورد . او نباید دینداران را در برابر گمراهان به جنگ و ستیز وا دارد ... »

احترام به حقوق بشر و حقوق برابر انسان ها :

از دیدگاه زرتشت همه انسان ها از هر نژاد ، ملیت ، قوم و با هر زبان ، رنگ پوست ، دین ، مرام و عقیده از حقوقی برابر برخوردارند . برتری طلبی دینی ، قومی ، نژادی ، زبانی و عقیدتی در این آیین جایی ندارد . زرتشت تنها عامل برتری دهنده انسان ها را ، راست و درست بودن ، پایبندی به قانون اشا و اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک می داند.

حق آزادی اندیشه :

از دیدگاه زرتشت ، خداوند جان و خرد همه انسان ها را اعم از زن و مرد آزاد آفریده است و آن ها را از نعمت آزادی و خرد برخوردار ساخته تا با بهره گیری از اندیشه خویش دیدگاه های گوناگون را ارزیابی نموده و با آزادی و اختیار کامل بهترین راه را در زندگی برگزیده و در آن مسیر گام بردارند .

حق آزادی بیان :

از دیدگاه زرتشت ، از آن جا که همه انسان ها از حق آزادی در اندیشیدن برخوردارند همچنین حق دارند که ضمن احترام به عقاید و اندیشه های دیگران ، اندیشه های خویش را آزادانه مطرح ساخته و زمینه تبادل نظر آزاد را در سطح جامعه فراهم آورند.

حق آزادی در گزینش دین و راه و روش زندگی :

از دیدگاه زرتشت و در راستای قانون اشا ، همه انسان ها از حق آزادی در انتخاب دین و آیین مورد علاقه خویش برخوردارند . هیچ کس را نمی توان از پذیرش دین یا آیینی منع و یا به پذیرش دین و آیینی مجبور نمود.

حق تعیین سرنوشت :

از دیدگاه زرتشت ، انسان ها موجوداتی نیستند که چون بازیچه ای سرنوشتشان از پیش بایشان مقدر شده باشد . از دیدگاه زرتشت این اراده انسان هاست که بر سرنوشتشان فرمان می راند و هرگز نمی توان حق تعیین سرنوشت افراد را از آن ها سلب نمود .

حقوق برابر زن و مرد :

از دیدگاه زرتشت زن و مرد در همه مراحل زندگی از حقوقی برابر برخوردارند . زنان نیز چون مردان در کنار حق انتخاب شدن از حق انتخاب کردن برخوردارند . در طول زندگی مشترک نیز زن و مرد از کلیه حقوق و منافع مادی و معنوی به طور مساوی برخوردار خواهند بود . در اندیشه زرتشت ، مرد سالاری یا زن سالاری جایگاهی ندارد ، بلکه انسانیت محور و انسان سالاری حاکم است.

شادکامی و خوشبختی از دیدگاه زرتشت :

آیین زرتشت را آیین شادی نیز می نامند چون پیروان این آیین شادمان بودن و خوش زیستن را پیشه خود ساخته و از اندوه و افسردگی و سوگواری می پرهیزند .

از دیدگاه زرتشت جشن و سرور و شادمانی یکی از راه های نیایش و ستایش خداوند و نزدیکی به اوست . زرتشت یاران خود را شادمان و خشنود می خواهد زیرا به درستی آگاه است که در پرتو خشنودی و شادمانی ، تن و روان انسان نیرومند شده و شوق به کار و کوشش در آن فزونی می یابد .

از دیدگاه زرتشت ، شادمانی و خشنودی واقعی تنها با کوشش و تلاش و از راه راستی به دست می آید و هرگز انسانی که از راه نا شایست خود را خوشبخت می پندارد به خوشبختی و شادمانی واقعی دست نیافته است . زرتشت در این مورد در گات ها ، یسنا ، هات 43 ، بند یکم ، می فرماید :

«...خوشبختی از آن کسی است که خواهان خوشبختی دیگران است ...»

زرتشت ، یارانی شادمان خشنود ، خندان و خوشرو را دوست داشت و خود نیز پیوسته این گونه بود. زرتشت پیروانش را به داشتن اندیشه های نیک و مثبت فرا می خواند و خواهان این بود که پیروانش این اندیشه ها را در درون خود بارور سازند تا به شادمانی درونی ، آینده ای مطلوب و سرنوشتی مثبت دست یابند.

آرامش و شادمانی درونی پیروان زرتشت در طول سال به صورت برگزاری جشن های با شکوه و نشاط انگیزی مانند جشن های یزرگ نوروز ، مهرگان ، سده و جشن های ماهیانه و فصلی بسیار دیگر در سطح جامعه بروز خارجی می یابد .

پاسداشت زیست بوم :

از دیدگاه زرتشت و در راستای قانون اشا ، انسان در برابر جهان هستی مسئول است و باید از تخریب منابع مادی و معنوی جهان هستی بپرهیزد . یکی از نمود های « اندیشه نیک » که در این آیین بر آن بسیار تاکید می شود پاسداشت زیست بوم یا حفظ محیط زیست است .

زرتشت همه پیروانش را فرا می خواند که آگاهانه و بر بنیان خرد و مسئولیت شناسی همه منابع تشکیل دهنده طبیعت به ویژه آب و خاک و هوا و منابع انرژی را پاس دارند .

هیچ کس حق ندارد به شیوه های گوناگون هوا را بیالاید و یا با استفاده نادرست و نابجا از منابع انرژی به محیط زیست و منابع انسانی و طبیعی آسیب وارد نماید.

حفظ حقوق جانوران و گیاهان :

از دیگر نمود های « اندیشه نیک » از دیدگاه زرتشت ، حفظ همه گونه های جانوری و گیاهی و زیستگاه آن هاست . همان گونه که قربانی کردن بی جهت حیوانات نا شایسته است ، سایر جانداران نیز در حد ممکن و تا جایی که حضور آن ها برای طبیعت و محیط زندگی انسان و سایر زیستمدان تهدیدی محسوب نشود ، از کلیه حقوق طبیعی خویش برخوردار خواهند بود . زرتشت به زمینی سراسر سبز می اندیشید و یارانش را نیز فرا می خواند که به همه پدیده های هستی به دیده احترام بنگرند.

منابعی برای مطالعه بیشتر :

- 1- اوستا (کهن ترین سرودهای ایرانیان) ، گزارش و پژوهش دکتر جلیل دوستخواه ، انتشارات مروارید ، تهران ، 1375
- 2- گات ها (سرودهای زرتشت) ، ترجمه و تفسیر موبد فیروز آذرگشسب ، انتشارات فروهر ، تهران ، 1351
- 3- برگردان گات ها ، موبد رستم شهزادی ، انتشارات فردوس ، تهران ، 1377
- 4- دیدی نو از دینی کهن (فلسفه زرتشت) ، دکتر فرهنگ مهر ، انتشارات جامی ، تهران ، 1375
- 5- بینش زرتشت ، خداداد خنجر ، انتشارات تهران ، تهران ، 1375
- 6- بدانیم و سربلند باشیم (فشرده ای از آموزش های دین زرتشت) ، دکتر منوچهر منوچهر پور ، انتشارات فروهر ، تهران ، 1377

ادیان توحیدی دین شناسی تطبیقی فلسفه ایران باستان دین شناسی فولکلور روح و روان انسان شناسی مردم شناسی ملی گرایی کتاب مقدس کلام خدا مذاهب الهی ادیان الهی خرافه ستیزی